

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و چهارم

زمستان ۱۳۹۹

بررسی مقایسه‌ای روایت‌های متفاوت تاریخ‌نگاران قرن‌های سوم و چهارم هجری از رویدادهای قفقاز در دو قرن نخست هجری

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۴

تاریخ تأیید: ۹۹/۱۱/۳۰

۱ محمدرضا کیوانی

۲ فریدون الهیاری

۳ مصطفی پیرمردیان

بررسی منابع تاریخی حوزه قفقاز در قرن‌های سوم و چهارم هجری نشان می‌دهد در پاره‌ای روایت‌های مربوط به این منطقه مانند فتح قفقاز، رویداد بلنجر، فتح البیضاء و دامادی خاقان خزر آشفتگی‌هایی وجود دارد. این پژوهش می‌کوشد با روش وصفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و با هدف روشن‌تر ساختن تاریخ‌نگاری قفقاز در حوزه خلافت شرقی با بررسی مقایسه‌ای منابع مختلف و آرای پژوهش‌گران حوزه قفقاز با نگاهی تازه به واقعیت این رویدادها و زمان دقیق آن بنگرد. این پژوهش نشان می‌دهد که در موارد اختلافی، تردیدی در اصل رویداد در منابع وجود ندارد ولی گاه، خطاهایی در انتساب برخی رویدادها به اشخاص و یا زمان وقوع رویدادها به چشم می‌خورد که با بررسی‌های دقیق تاریخی می‌توان آنها را برطرف ساخت.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان: (mreza114@yahoo.com).

۲. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): (f.allahyari@ltr.ui.ac.ir).

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان: (mostafapirmoradian@yahoo.com).

کلیدواژگان: قفقاز، تاریخ‌نگاری اسلامی، فتوحات اسلامی، رویداد بلنجر، خاقان خزر.

۱. بیان مسئله

گروهی از مورخان مسلمان در قرن سوم و چهارم هجری بخشی از مطالب خود را به حوادث قفقاز اختصاص داده‌اند. محتوای روایات تاریخی این منابع در بیشتر موارد شبیه هم است، ولی در برخی موارد، نگاه دو یا چند مورخ به یک رویداد یکسان نیست. گاهی برای رویدادهای مشابه تواریخ متفاوت بیان می‌شود و یا جا به جایی‌هایی در بیان روند حوادث تاریخی وجود دارد که نیاز به بررسی عمیق دارد. بنابراین، این پژوهش با بررسی منابع معتبر تاریخی به بررسی روایت‌های متفاوت آن‌ها در رویدادهای مهم قرن اول و دوم هجری در قفقاز می‌پردازد. مهم‌ترین مواردی که بررسی و مقایسه می‌شوند، اختلاف مورخان در بیان تاریخ فتوحات قفقاز، مثل زمان دقیق واقعه بلنجر و چگونگی این رویداد، بررسی روایت متفاوت فتح این شهر و البیضاء^۱ به وسیله جراح بن عبدالله حکمی، بررسی زمان لشکرکشی مروان بن محمد (۱۳۲-۱۳۷ ه.ق.) به البیضاء و روایت‌های متفاوت از ماجرای دامادی شاه خزران^۲ و آخرین هجوم بزرگ خزران به سرزمین‌های اسلامی است. یکی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که به تازگی در حوزه تاریخ‌نگاری قفقاز صورت گرفته است، مقاله اصغر منتظرالقائم به نام نقد و بررسی روایات مربوط به نخستین فاتحان آذربایجان تا سال ۴۰ هجری است که برای اثبات تاریخ دقیق فتح آذربایجان و قفقاز مفید است. هم‌چنین، مقاله سید سجاد حسینی و جعفر آقازاده به نام فتوحات مسلمانان در قفقاز

۱. این نام را مسلمانان بر پایتخت خزران نهاده‌اند. در صورتی که در منابع دیگر، نام پایتخت خزران، آتل است.

۲. نام شاه خزران به طور دقیق در این دوره زمانی مشخص نیست و بیشتر لقب خاقان را برای آن‌ها به کار می‌بردند.

از پژوهش‌هایی است که می‌تواند نکات مبهمی را درباره واقعه بلنجر روشن نماید. یکی دیگر از مقالات ارزشمندی که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد، مقاله وهاب ولی با عنوان نگاهی به تاریخ، تمدن و فرهنگ خزرها است که در بخشی از آن به طور مختصر به ماجرای دامادی شاه خزران پرداخته است.

۲. زمان فتح آذربایجان و قفقاز در منابع تاریخی

یکی از کسانی که به طور مفصل به وقایع قفقاز پرداخته است، محمد بن جریر طبری (د. ۳۱۰ ه.ق.) است. او در شیوه سال شمار خویش، وقایع قفقاز را به ترتیب زمانی بیان نموده است. اگرچه در مورد برخی حوادث، روایتی بیان نشده است ولی این کتاب، منبع ارزشمندی برای شناخت رویدادهای قفقاز از سال ۲۲ هجری تا زمان تشکیل دولت بنی الساج (۳۱۷-۲۷۶ ه.ق.) در آذربایجان و اران است. از متن برخی مطالب کتاب، پیرامون وقایع قفقاز، چنین استنباط می‌شود که به علت روایت‌های متفاوت، نویسنده دچار نوعی تشویش و سرگردانی است. به طور مثال در خصوص زمان فتح آذربایجان، طبری می‌گوید:

در این سال (۲۲ ه.ق.) چنانچه در روایت ابومعشر هست آذربایجان گشوده شد.

و در ادامه باز هم می‌نویسد:

گویند فتح آذربایجان به سال بیست و دوم و سالار آن مغیره بن شعبه بود.^۱

واقعی (۲۰۷ ه.ق.) نیز چنین گفته است، ولی سیف بن عمر (۲۰۰ ه.ق.) در این می‌گوید:

فتح آذربایجان در سال هیجدهم هجری، پس از فتح همدان، ری و گرگان و

پس از آن که سپهبد طبرستان با مسلمانان صلح نمود، اتفاق افتاد.

۱. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۴، ص ۱۵۴.

طبری در یک روایت دیگر می‌نویسد:

در هنگامی که نعیم بن مقرن برای بار دوم همدان را گشود از واج به سوی ری رفت. خلیفه دوم به او نوشت که سماک بن خرشه انصاری را به کمک بکیر بن عبدالله به آذربایجان بفرستد و او این کار را عقب انداخت تا ری گشوده شد. آن‌گاه او را از ری روانه کرد و سماک به قصد بکیر، راه آذربایجان را در پیش گرفت.^۱

از روایت‌های طبری استنباط می‌شود که بکیر را روانه آذربایجان کردند، تا به جرمیدان رسید. در آن‌جا، اسفندیاذ پسر فرخزاد که از واج رود شکست خورده بود، با او برخورد نمود و بین آن‌ها جنگی سخت اتفاق افتاد. این نخستین جنگی بود که در آذربایجان اتفاق افتاد. در این جنگ اسفندیاذ شکست خورد و اسیر گردید. ظاهراً با این شکست آذربایجان تسلیم شد. بر اساس روایت طبری، عمر همه آذربایجان را به عتبه بن فرقد سلمی (د. ۵۲۵.ق.) داد و عتبه میان خویش و مردم آذربایجان نامه‌ای نوشت^۲ که در واقع صلح‌نامه‌ای بود که با مردم آذربایجان بسته شد. اختلاف آشکاری میان روایت‌های تاریخ فتوح منقول از سیف با دیگر راویان بر اساس روایت‌های مسطور در تاریخ طبری وجود دارد. به عنوان مثال، فتح آذربایجان در روایت واقدی و ابومعشر سال ۲۲ هجری و در روایت سیف ۱۸ هجری است.^۳

۱. همان، ص ۱۵۵.

۲. همان؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۳، ص ۲۷.

۳. سالاری شادی، «نگاهی دیگر به آثار و روایات سیف بن عمر تمیمی اسدی با تأکید بر تاریخ

طبری»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دوره جدید، ش ۷، ص ۳۱.

شاید به دو دلیل، اختلاف در سال‌ها قابل توجیه باشد که عبارت است از: اول، منابع سیف به عنوان راوی متقدم از منابع افواهی توده مردم اخذ شده است. آن‌ها به سیف چنین گزارش داده‌اند. به دلیل این که این روایت‌ها از آن منابع شفاهی و به طور طبیعی از شاهدان و ناظران رویدادها پس از یکی دو نسل دریافت شده است که به گفته زرین کوب، آن راویان این سال‌ها را این گونه برای او بیان کرده‌اند. دوم، ماهیت فتوح به خاطر شرکت توده مردم در آن به گونه‌ای است که شاید نقش آفرینان در تاریخ وقایع چندان دقت نکرده‌اند.^۱ چنان که حتی بیشتر مردم، پس از چندین سال در تطابق و بیان درست تاریخ ایام شخصی خود دچار اشتباه می‌شوند. دیگر این که زرین کوب به درستی گفته است که مبنای سال هجری از سال ۱۷ هجری باب شد و شاید تطبیق رخدادها با قبل از آن موجب اشتباه‌هایی شده است.^۲

منتظرالقائم، دیدگاه سیف بن عمر را به دلایل زیر رد می‌کند و می‌نویسد:

اولاً اسناد این روایت ناقص و ضعیف است. ثانیاً شخصیت سیف از سوی دانشمندان علم رجال، مثل ابوحاتم سجستانی، حاکم نیشابوری و... مورد تردید قرار گرفته است.^۳ ثالثاً به نظر می‌رسد، سیف بن عمر، عتبه بن فرقد لیشی را به جای عتبه بن فرقد سلمی، صحابه رسول الله ﷺ که جانشین حدیقه بن یمان (د. ۳۶ ه.ق.) گردید، قرار داده است. رابعاً در روایت طبری از سیف، تاریخ عتبه بن فرقد مربوط به سال ۱۸ هجری است. به وضوح روشن است که در این سال

۱. زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۲۸۵-۲۸۶؛ سالاری شادی، «نگاهی دیگر به آثار و روایات سیف بن عمر تمیمی

اسدی با تأکید بر تاریخ طبری»، تاریخ نگری و تاریخ نگاری، دوره جدید، ش ۷، ص ۳۵.

۳. الذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ص ۱۶۲.

مسلمانان هنوز در شرق عراق مشغول فتوحات بودند و وارد غرب ایران نشده بودند و فتح آذربایجان در سال ۲۲ هجری صورت گرفت.^۱

احمد بن یحیی بلاذری (د. ۲۷۹ ه.ق.) فتح آذربایجان را به گونه‌ای دیگر روایت می‌کند. بلاذری در این باره می‌نویسد:

مغیره بن شعبه به عنوان والی از سوی عمر بن خطاب (۲۳-۱۳ ه.ق.) به کوفه آمد و نامه‌ای به همراه آورد که در آن، حذیفه بن یمان به ولایت آذربایجان منصوب شده بود. نامه را برای او ارسال داشت و او در نهبوند یا نزدیکی آن بود. پس از آن‌جا رفت تا به اردبیل رسید که کرسی آذربایجان بود و مرزبان آذربایجان در آن‌جا می‌زیست و خراج آن دیار، همان‌جا می‌رفت. مرزبان اردبیل، چند روزی با سپاه حذیفه جنگید ولی هنگامی که مقاومت را بیهوده دید با حذیفه بن یمان صلح کرد و مقرر شد، سالیانه ۸۰۰ هزار درهم خراج بپردازند و مسلمانان کسی را نکشند و اسیر نگیرند و آتشکده‌ها را خراب نکنند و متعرض کردهای بلاسمان، سبلان و ساتروان نگردند و مانع انجام مراسم مردم شینز و جشن‌های زرتشتی‌ها در آتشکده بزرگ آنان نیز نگردند.^۲

بعد از حذیفه بن یمان که نزدیک به یک سال حکمران آذربایجان بود و ابوالحسن مدائنی (د. ۲۲۸) حکایت کرده که عمر بعد از یک سال حذیفه را از آذربایجان معزول داشت و عتبه بن فرقد سلمی را به جای او گمارد.^۳ در سال ۲۵

۱. منتظرالقائم، «نقد و بررسی روایات مربوط به نخستین فاتحان آذربایجان تا سال ۴۰ هجری»،

پژوهش‌های تاریخی، ش ۲، ص ۶.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۱۷.

۳. همان، ص ۳۱۸.

هجری، عثمان، عتبه بن فرقد سلمی را از آذربایجان عزل کرد و ولید بن عتبه اموی به آذربایجان لشکر کشید و اهل آن دیار بر همان پیمان حدیفه با وی صلح کردند.^۱ پس اهل آن بلد سر از اطاعت بیچیدند و اشعث بن قیس کنسی (د. ۴۰ ه.ق.) با ایشان بجنگید و باجروان^۲ را بگشود و به صلحی همانند مغیره با آنها مصالحه کرد و صلح اشعث تاکنون (سال وفات ۲۷۹ ه.ق.) برجای مانده است.^۳

به نظر می‌رسد بر اساس شواهد موجود، فتح آذربایجان به وسیله حدیفه بن یمان در سال ۲۲ هجری اتفاق افتاده است و صلح‌نامه‌ای که فاتحان بعدی آذربایجان به آن استناد می‌کردند، همان صلح‌نامه‌ای بوده است که برای اولین بار، حدیفه بن یمان با اهالی آذربایجان در سال ۲۲ هجری بسته بود. پس روایت‌های بلاذری در این مورد، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

شواهد نشان می‌دهد که اهالی آذربایجان، گاهی شورش می‌کردند و هرگاه این شورش‌ها به وسیله سرداران مسلمان سرکوب می‌گردید، صلح‌نامه حدیفه بن یمان مبنای صلح جدید قرار می‌گرفت. چگونگی فتح آذربایجان به صلح یا به جنگ، یکی از مباحثی است که مورخان بر سر آن اختلاف دارند. بر اساس روایت‌های طبری و بلاذری، آذربایجان به صلح فتح گردید، ولی چون اهالی آذربایجان، مکرر شورش می‌کردند، برای برخی این شبهه ایجاد شده است که گویا فتح آذربایجان به جنگ بوده است.

۱. همان، ص ۳۱۹.

۲. باجروان یا بجروان از شهرهای مهم آذربایجان و در منطقه مغان بوده است که تا قرن‌های سوم و چهارم رونق داشته است.

۳. همان، ص ۳۲۰.

۳. زمان واقعه بلنجر و نقش سلمان بن ربیع در این رویداد

یکی از رویدادهایی که ابن اعثم به شرح آن می‌پردازد واقعه شهر بلنجر^۱ است که پیش‌روی سپاه مسلمانان را به سوی شمال متوقف ساخت.^۲ روایت این خبر با آنچه که بلاذری در این خصوص نوشته است، شباهت زیادی دارد.^۳ به نظر راویان، هر دو مورخ یکی است و شاید ابوعبیده معمر بن مثنی باشد. ابن اعثم کوفی درباره این واقعه می‌نویسد:

سلمان بن ربیع در سال ۲۳ هجری و در زمان عثمان بعد از تصرف شروان به سوی مسقط و باب الابواب لشکر کشید. او سپس به سوی عوزا و از آن‌جا به بلنجر حرکت نمود. شهر بلنجر از شهرهای خزران بود و خاقان خزر با لشکری عظیم به جنگ مسلمانان شتافت. چون رو در روی شدند، مسلمانان چندان که امکان داشت بکوشیدند اما خزران غالب شدند و سلمان بن ربیع با ده هزار مردی که از کوفه با او همراه شده بودند، همگی کشته شدند و یک کس از آن جمله خلاص نیافت. این واقعه در صحرای شهر بلنجر اتفاق افتاد و خاک همه مسلمانان در آن صحراست و آن‌جا را قبور الشهداء می‌گویند.^۴

۱. Belanjar. یکی از پایتخت‌های اقوام خزر که در مسیر باب به شمال قرار داشت. درباره محل این شهر، گمان‌هایی وجود دارد و برخی آن را در شمال داغستان و کنار بستر رود سولاک می‌دانند. بارتولد با استناد به نظر مارکوارت، بلنجر را آخرین و جنوبی‌ترین شهر در سرزمین خزران می‌داند (بارتولد، جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ص ۲۸).

۲. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۰۲.

۴. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۳۴۵.

حسینی در مقاله خود با استناد به روایت ابن اعثم کوفی، حمله سلمان بن ربیع و کشته شدن او را در سال‌های ۲۲ تا ۲۴ هجری بیان نموده است.^۱

طبری اشاره‌ای به این رویداد نمی‌کند و در بیان وقایع مربوط به جنگ عبدالرحمن بن ربیع با خزرها می‌نویسد:

عبدالرحمن در ایام عثمان نیز با ترکان غزها داشت و ظفر با او بود تا وقتی که مردم کوفه دیگر شدند، که چرا عثمان کسی را که مرتد شده بود بکار گماشته است.^۲

از روایت طبری می‌توان استنباط نمود که جنگ عبدالرحمن بن ربیع با خزران باید در سال‌های آخر خلافت عثمان و در ۳۲ هجری اتفاق افتاده است. بر اساس دیدگاه طبری، سلمان بن ربیع تا این زمان زنده بوده است. طبری در بیان رویدادهای سال ۳۲ هجری معتقد است که عبدالرحمن در جنگ کشته شد و سلمان بن ربیع را به فرماندهی برگزیدند و مسلمانان به همراه سلمان و ابوهریره دوسی به سوی گیلان و گرگان عقب نشینی نمودند. این شکست سبب شد که جرئت و جسارت خزران بیشتر شود.^۳

ابن اثیر در *الکامل* در حوادث سال ۳۲ هجری به جنگ عبدالرحمن بن ربیع با خزران و جانشینی سلمان بن ربیع اشاره می‌کند.^۴ پس از مرگ عثمان، به دلیل مشکلات موجود در دستگاه خلافت، فکر مسلمانان از مرزهای اسلام منحرف شد. تا آن‌جا که پای درگیری‌های داخلی اعراب در میان بود، خزرها مدتی دراز در آرامش رها شدند.^۵ پس با

۱. حسینی و آقازاده، «فتوحات مسلمانان در قفقاز»، *تاریخ اسلام*، مسلسل ۴۵-۴۶، ص ۱۲۸.

۲. طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۴، ص ۱۵۸.

۳. همان.

۴. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۳، ص ۱۳۱.

۵. دانلپ، *تاریخ خزران*، ص ۶۹.

توجه به روایت‌های طبری و ابن اثیر به نظر می‌رسد که روایت ابن عثم و بلاذری با روایت‌های آن دو تناقض دارد. طبری در فاصله سال‌های ۲۲ تا ۲۵ هجری از جنگ دیگری نام می‌برد که به وسیله عبدالرحمن بن ربیع صورت گرفته است. طبری در این باره می‌نویسد:

عبدالرحمن در ایام عمر با قوم بلنجر غزایی داشت که زنی بیوه نشد و کودکی یتیم نگردید و سپاه وی به غزای بیضا تا دویست فرسنگی بلنجر رفت.^۱

طبری در روایتی دیگر از سلمان بن ربیع می‌نویسد:

زمانی که عبدالرحمن در زمان عمر به جنگ خزران رفت، خداوند جرأت و جسارت جنگیدن را از آنها گرفت، فرار کردند و در قلعه‌های خود پناه گرفتند و او با فتح و ظفر باز گشت.^۲

مارکوارت (۱۸۶۴-۱۹۳۰ م.)^۳ رسیدن اعراب به البیضاء را در این زمان نمی‌پذیرد. او معتقد است که طبری تاریخ پیش‌روی به سوی بلنجر را به اشتباه بیان کرده است. بر اساس نظر او، این حمله در سال ۳۲ هجری صورت گرفته است.^۴ طبری، داستان آسیب‌ناپذیری مسلمانان را در سال ۳۲ هجری تکرار می‌کند^۵ و ابن خلدون (د. ۸۰۸ م.) مطلبی دارد به این مضمون که عبدالرحمن پیوسته آماده حمله به سرزمین خزران بود و پشت سر

۱. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۴، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۵۹.

۳. خاورشناس آلمانی که اطلاعات وسیعی از جغرافیای باستانی ایران داشت.

۴. دانلپ، تاریخ خزران، ص ۶۴.

۵. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ص ۳۰۴.

هم به بلنجر هجوم می‌برد.^۱ این دیدگاه ابن خلدون می‌تواند، پاسخ مناسبی برای بیان این موضوع باشد. حملات متعدد، روایت‌های متفاوت و شباهت اسامی سرداران مسلمان، مورخان را دچار اشتباه کرده است.

۴. لشکرکشی جراح بن عبدالله و مروان حکم به البیضاء

یکی دیگر از اشکال‌های تاریخ‌نگاری این دوره، شباهت لشکرکشی‌ها و انتساب آن‌ها به یکدیگر است. به عنوان مثال، انتساب لشکرکشی مسلمة بن عبدالملک که در سال‌های قبل صورت گرفته بود به مروان بن محمد، یکی از موارد اختلاف مورخان است. یکی از فتوحات مناقشه برانگیز این دوران، لشکرکشی جراح بن عبدالله حکمی به بلنجر و البیضاء است.

ابن اثیر در بیان حوادث سال ۱۱۱ هجری به حمله جراح بن عبدالله حکمی به خزریه و البیضاء اشاره می‌کند. او در این باره مدعی است که نیرویی کوچک تا البیضاء در کنار ولگا پیش رفت و به سلامت از میان خاک دشمن بازگشت.^۲ در منابع دیگر از این حمله در این سال، یاد نشده است. طبری در وقایع سال ۱۱۱ هجری، فقط به ولایت‌داری جراح بن عبدالله حکمی اشاره می‌کند.^۳ او در بیان وقایع سال ۱۱۲ هجری، حمله ترکان (خزران) به مرغزار اردبیل و چگونگی شکست و کشته شدن جراح بن عبدالله را تشریح می‌کند.^۴ مشخص نیست منبع خبر لشکرکشی جراح به البیضاء در نزد ابن اثیر، کجا بوده است.

۱. ابن خلدون، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر، ص ۵۸۵؛ دانلپ، تاریخ خزران، ص ۶۴.

۲. ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۱۵۸.

۳. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۷، ص ۶۷.

۴. همان، ص ۷۰.

یعقوبی در کتاب تاریخ خود به حمله خزران به اردبیل و کشته شدن جراح اشاره می‌نماید.^۱ احتمال می‌رود در این جا اشتباهی رخ داده است و لشکرکشی مروان بن محمد در سال‌های بعد به جراح نسبت داده شده است.^۲

از سوی دیگر، سال ۱۱۲ ه.ق./۷۳۰ م. هم‌زمان با بزرگ‌ترین شکستی بود که تا آن زمان بر اعراب از سوی خزرها وارد شده بود و این دلیلی بر رد روایت ابن اثیر از حوادث سال ۱۱۱ هجری است. اگر بر اساس روایت ابن اثیر در سال ۱۱۱ هجری مسلمانان توانسته بودند تا البیضاء پیش‌روی کنند و پایتخت خزران را فتح نمایند، آن‌ها در یک فرصت کوتاه زمانی یک ساله نمی‌توانستند خود را بازسازی کنند و تا اردبیل و نزدیک موصل پیش آیند. در این سال، خزرها با نیروی سی صد هزار نفری به فرماندهی بارجیک، معبر داریال^۳ را گرفتند و تا جلگه اردبیل پیش آمدند. جراح و یارانش در جنگی سخت کشته شدند و عده کمی گریختند. خزرها به پیش‌روی ادامه دادند و بعد از زیر پا گذاشتن آذربایجان، به دیاربکر و حوالی موصل رسیدند.^۴

طبری در مورد لشکرکشی مروان بن محمد به سرزمین خزران در فاصله سال‌های ۱۱۴ تا ۱۱۷ هجری، مطلبی ننوشته است. ابن اثیر به این اردوکشی می‌پردازد و تاریخ آن را در سال ۱۱۴ هجری بیان می‌کند که با توجه به شواهد، بسیار زود است. احتمال می‌رود، این جنگ چند سال بعد اتفاق افتاده باشد؛ زیرا در این سال به روایت طبری مروان به ولایت ارمنیه و آذربایجان رسید^۵ و برای کسب آمادگی لازم جهت جنگ با خزران به یکی دو سال، زمان نیاز داشت.

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲. دانلپ، تاریخ خزران، ص ۸۰.

۳. معبر داریال یا باب الان در کنار باب الابواب یکی از گذرگاه‌هایی بود که ارتباط بین دو بخش قفقاز شمالی را با قفقاز جنوبی میسر می‌ساخت.

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۱۵۹؛ دانلپ، همان، ص ۸۲.

۵. ابن اثیر، الکامل، ص ۱۷۸.

در مورد لشکرکشی مروان اتفاق آرا بر این است که این لشکرکشی در سال ۱۱۹ هجری صورت گرفته است.^۱ مروان تا سال ۱۱۹ هجری، ولایت دار ارمینیه بود.^۲ او در یک غافل‌گیری تا پایتخت خزریه پیش رفت و سمندر^۳ به دست مسلمانان افتاد. مروان از سمندر هم پیش تاخت و در مدت مقرر به اطراف البیضاء [نامی که از آن پس اعراب به پایتخت خزریه دادند] رسید^۴، اما کوششی برای محاصره آن نکرد. سپس از آن جا گذشت و در ساحل راست ولگا به سوی شمال پیش رفت. خاقان درخواست صلح کرد و جویای شرایط آن شد.

در این باره گزارش می‌شود، مروان دو راه پذیرش اسلام یا جنگ را پیش روی او گذاشت. خاقان حاضر شد اسلام را بپذیرد. در آن شرایط، مروان شاید به دلیل دغدغه‌هایی که از پشت سر داشت، بدون آن که حاکمی عرب و لشکری قوی و دائمی در خزریه بگذارد، به سوی جنوب بازگشت. این لشکرکشی به تازش سمندر مشهور شد.^۵ هم‌چنین، این رویداد در الفتوح ابن اعثم^۶ و در نجوم الزاهرة ابن تغری بردی^۷ آمده است.

۱. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۷، ۱۳۸۷، ص ۹۱، ابن اثیر، الکامل، ص ۱۷۸.

۲. دانلپ، تاریخ خزران، ص ۹۸.

۳. شهری در غرب دریای خزر بود که مدتی پایتخت خزرها به شمار می‌آمد. محل دقیق شهر سمندر مشخص نیست، اما به احتمال زیاد در کنار رود ترک در نزدیکی شهر امروزی قزایار در قفقاز شمالی قرار داشته است. حدود العالم در این باره می‌گوید: سمندر شهری است بر کران دریا، جایی با نعمت و بازارها و بازرگانان (نویسنده ناشناس، حدود العالم، ص ۴۹۹).

۴. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ص ۱۳۸.

۵. دانلپ، تاریخ خزران، ص ۹۱.

۶. ابن اعثم، الفتوح، ج ۸، ص ۲۶۱.

۷. ابن تغری بردی، نجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۱، ص ۲۲۲.

در مجموع، می‌توان استنباط نمود که لشکرکشی به پایتخت خزران (البیضاء)، فقط یک بار در زمان مروان صورت گرفت. شاید اشتباه برخی از مورخان به این دلیل بود که ابتدا پایتخت خزران شهرهای بلنجر و سپس سمندر بود و به علت ناامنی این شهرها و حملات مسلمانان به تدریج پایتخت خویش را به مناطق شمالی‌تر در ساحل رود ولگا به نام اتل (البیضاء) انتقال دادند.

۵. ماجرای دامادی شاه خزران در منابع تاریخی

با آغاز خلافت منصور عباسی در سال ۱۳۶ هجری، او یزید بن اُسَید سلمی را به عنوان عامل خود در ارمنستان و اران که آن زمان بخشی از ارمنستان محسوب می‌شد، ابقا کرد. در آغاز، یزید بن اُسَید باب آلان^۱ (داریال) را گشود و مأمورانی را بر آن جا گماشت. سپس صناریه^۲ را مقهور کرد و به پرداخت خراج واداشت. نگرانی از هجوم خزران، قفقاز را تهدید می‌کرد به همین دلیل، منصور به یزید بن اُسَید [حاکم ارمنیه] نوشت که خواستار دامادی شاه خزران شود.

یعقوبی ماجرای خزران و خطر آنان را در عهد منصور به شرح آورده است. او درباره این

واقعه می‌نویسد:

۱. نام دیگر داریال که عرب‌ها بر آن نهاده بودند.
۲. sanaraioi، درباره این که صناریه چه قومی هستند آرای متفاوتی وجود دارد. یعقوبی در این باره می‌گوید: متی نولها بر بغا حمله ور شدند. آن‌ها قبایلی کوهستانی هستند که با گویش گرجی تکلم می‌کنند و اطراف سلسله کوه‌های قفقاز، قسمت شرقی داریال را در تصرف داشتند (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۸۸) و در حدود العالم آمده است که صنار ناحیه‌ای است به فاصله بیست فرسنگ، میان شکلی و تفلیس و اهالی آن همه کافرند. از قرن نهم تا دهم میلادی، صنار را با کاخ‌ها (کاخت) مطابقت می‌دادند (نویسنده ناشناس، حدود العالم، ص ۱۶۲).

خزر در ناحیه ارمنستان شورش کردند و بر یزید بن اُسَید سلمی تاختند. پس یزید به ابوجعفر منصور نامه نوشت و گزارش داد که رأس طرخان، پادشاه خزر با سپاهی گران رو به او نهاده و جانشینش شکست یافته است.^۱ ماجرای این ازدواج را ابن اعثم کوفی به تفصیل آورده است. برای دستگاه خلافت و حاکمان ارمنیه این مسجّل شده بود که اتحاد با خزران از طریق پیوند خویشاوندی، تنها شرط بقای حاکمیت مسلمانان در قفقاز است و از طریق ازدواج و خویشاوندی با خزران میسر می‌گردد.^۲

یزید بن اُسَید پس از دریافت نامه خلیفه، شخصی را نزد خاقان فرستاد و دختر او را به همسری خواست. خاقان موافقت کرد و دخترش را با شکوه و جلال فراوان به خانه داماد فرستاد. هنگامی که دختر خاقان به بردعه (پرتو) تختگاه اران رسید از یزید بن اُسَید خواست، بانویی مسلمان را برای آموختن اصول دین اسلام و خواندن قرآن به نزد او بفرستد.^۳ او دو سال و چهار ماه با یزید زندگی کرد و از او دو فرزند آورد. بعدها، او و دو فرزندش در بردعه مردند و یزید از این حادثه اندوهگین شد. خزران، عرب‌ها را در مرگ دختر خاقان و فرزندانش گناهکار دانستند. از این رو چندی بعد، حمله به قفقاز به ویژه اران را از سر گرفتند.^۴

طبری در حوادث سال ۱۴۵ هجری به هجوم خزران اشاره می‌کند. در این حمله، تعداد زیادی از مسلمانان کشته شدند. خزران از راه باب الابواب (در بند) به ارمنستان وارد شدند و اراضی شمال رود کورا (کُر) را تصرف کردند. دو سال بعد در سال ۱۴۷ هجری، بار

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۳۷۱.

۲. ابن اعثم، الفتوح، ص ۳۶۴.

۳. همان.

۴. ابن اعثم، الفتوح، ج ۸، ص ۳۶۵.

دیگر به خزران حمله کردند^۱ و ازان را غارت نمودند. غنائم و اسیران بسیاری به چنگ آوردند و سپس به سرزمین خود بازگشتند.

در سال‌های بعد، حملات خزران تکرار شد تا آن‌که در سال ۱۷۰ هجری، هارون الرشید (د. ۱۸۸ ه.ق.) به خلافت رسید. در دوران حکومت او، ارمنستان مرکز اغتشاش علیه عباسیان بود. او فضل بن یحیی بن خالد برمکی را در سال ۱۷۵ هجری به امارت ارمنستان، آذربایجان، جبال (ماد) و استان‌های کرانه دریای خزر و سپس خراسان منصوب کرد.^۲ در این دوره، حکایت ازدواج حاکم ارمنیه با خاقان خزر در برخی منابع تکرار می‌شود. طبری در شرح رویدادهای سال ۱۸۲ هجری در این باره می‌نویسد:

در این سال دختر خاقان، ملک خزر را به نزد فضل بن یحیی برمکی می‌بردند که در بردعه درگذشت. در آن وقت سعید بن مسلم بن قتیبه باهلی (۲۷۹ م)، عامل ارمنیه بود. طرخان‌هایی که همراه دختر بودند به نزد پدر او بازگشتند و به او گفتند که دخترش نهانی کشته شده و او کینه توز شد و خود را برای جنگ با مسلمانان آماده کرد.

هم‌چنین، او در بیان حوادث سال ۱۸۳ هجری می‌نویسد:

خزران به سبب دختر خاقان از باب الابواب (در بند) درآمدند و مسلمانان و ذمیان آن‌جا را کشتند و چنان‌که گویند، بیش از یک صد هزار کس اسیر گرفتند و آشفته‌گی عظیم بود که در اسلام همانند آن شنیده نشده بود.^۳

۱. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۸، ص ۷؛ ابن اعثم، الفتوح، ص ۳۶۵.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۲۶.

۳. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۸، ص ۲۷۰.

همین رویداد را یعقوبی با اندک تفاوتی در برخی از نام‌ها بیان می‌کند و در این باره

می‌نویسد:

سعید بن سلم بن قتیبه باهلی به بطریقان اعتنایی کرد و مردم دریند بر او شوریدند و بر عاملش تاختند و او را کشتند. رهبر این شورش دریند «نجم بن هاشم» بود. پس سعید بن سلم او را کشت و آن‌گاه پسرش «حیون بن نجم» سر بلند کرد و عامل سعید را در دریند کشت و نافرمانی را آشکار کرد و به خاقان پادشاه خزر نامه نوشت و خواهان حمله به باب گردید. شاه خزر با سپاهی عظیم به سوی مسلمانان تاخت و تا رود کر پیش آمد، بسیاری از مسلمانان را کشت و بسیاری را اسیر و بسیاری از شهرها را آتش زد و زنان و کودکان را قتل عام نمود.^۱ این آخرین حمله بزرگ خزران به اران و ارمنستان بود که حدود هفتاد روز در قفقاز غارت و کشتار کردند. آنان جز از مسلمانان، بسیاری از مسیحیان را نیز که مؤلفان اسلامی با عنوان «ذمی» از آن‌ها یاد کرده اند، کشتند و به اسارت گرفتند و با گروه کثیری از اسیران مسلمان و مسیحی به سرزمین خود بازگشتند.^۲

ابن عبری (۶۲۲-۵۶۸۵.ق.) در بیان حوادث سال ۱۸۲ هجری می‌نویسد:

در ۱۸۲ هجری، هنگامی که دختر خاقان خزر را برای ازدواج با فضل بن یحیی برمکی می‌آوردند، در بردعه جان سپرد. در ۱۸۳ هجری، خزران به این بهانه که دختر خاقان به قتل رسیده، به اران حمله و بیش از صد هزار تن را اسیر

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۲۷.

۲. رضا، اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، ص ۴۳۱.

کردند و فجایع بسیار مرتکب شدند.^۱

ابن اعثم کوفی، واقعه ازدواج با دختر خاقان را سال ۱۴۵-۱۴۶ هجری بیان می‌کند، ولی طبری و ابن عبری آن را سال ۱۸۳ هجری می‌دانند. مسئله ازدواج با دختر خاقان خزر، فقط یک بار می‌توانست اتفاق بیفتد، به ویژه با حوادث پس از آن که تبعات زیادی برای خزرها و مسلمانان داشت.

بررسی‌های دانلوپ نشان می‌دهد که واقعه ازدواج حاکم ارمینیه با دختر پادشاه خزران در سال ۱۴۵ هجری و در زمان حکومت منصور و فرمانروایی یزید بن اسید بوده است و منابعی که تاریخ این ازدواج را سال ۱۸۳ هجری بیان نموده‌اند احتمال می‌رود که اشتباه کرده‌اند.^۲ روایت‌های منابع، گویای تمام واقعیت حوادث قفقاز نیست، اما این نکته مهم است که ازدواج‌های سیاسی در قفقاز همیشه معمول بود و این احتمال وجود دارد که این دو ازدواج در دو دوره زمانی متفاوت، اتفاق افتاده باشد. از آنچه گفته شد می‌توان استنباط کرد:

۱. در سال ۱۳۶ هجری، یزید بن اسید برای جلوگیری از حملات متعدد خزران به پیشنهاد منصور عباسی، دامادی خزران را در سال ۱۴۱ هجری درخواست نمود.^۳ در این باره، چنین فرض شده است که آنچه طبری در سال‌های ۱۸۲ و ۱۸۳ هجری درباره شاهزاده خانمی خزری نوشته است که زن فضل بن یحیی برمکی، حاکم وقت ارمنستان شد، ویژه سال ۱۴۵ هجری بوده است. هم‌چنین، طبری در سال ۱۸۳ هجری، دلایل متعددی برای حمله خزرها در آن سال می‌آورد. چنین به نظر می‌رسد که انگیزه دختر خاقان که او بیان می‌کند، فرع بر اشتباه فهمیدن حوادث سال ۱۴۵ هجری است.^۴

۱. ابن عبری، تاریخ مختصر الدول، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲. دانلوپ، تاریخ خزران، ص ۱۸۲.

۳. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۱۰.

۴. دانلوپ، تاریخ خزران، ص ۱۸۳.

۲. طبری در بیان حوادث سال ۱۸۰ هجری در این باره می‌نویسد:

در سال ۱۸۰ هجری، حاکمی جدید به نام «سعید بن سالم»، بر ارمستان نصب شد.^۱ مدتی امور به خوبی می‌گذشت. آن‌گاه سعید به جان اشرافیت بومی افتاد و باز ناآرامی از سر گرفته شد. فرمانده پادگان باب، شخصی به نام نجم بن هاشم بود. حاکم جدید به اقدام به قتل او نمود و فرمانده دیگری به جای او برگزید. پسر نجم از اطاعت و وفاداری سرباز زد. نامزد حکومت از جانب سعید بن سالم را کشت و در نامه‌ای از شاه خزران علیه مسلمانان یاری طلبید. شاه خزر در خواست او را اجابت کرد و با لشکری گران که در روایتی به صد هزار تن می‌رسد، خود را به باب رسانید و این آخرین اقدام بزرگ خزرها علیه مسلمانان بود.^۲

۳. وهاب ولی معتقد است که این ازدواج‌های سیاسی، بیشتر بین ساسانیان، خزران و بیزانسی‌ها معمول بود. علاوه بر آن‌ها، اعراب نیز بر آن بودند که با چنین ازدواج‌هایی از تهاجم و یا شورش‌های خزران جلوگیری کنند. بر اساس این دیدگاه، هر دو ازدواج می‌تواند در دو دوره متفاوت اتفاق افتاده باشد. لوسین بووا در مورد ازدواج فضل بن یحیی معتقد است که آن دختر در برصع قبل از رسیدن به بغداد در سال ۱۷۸ هجری فوت کرد. قوایی که او را مشایعت می‌کردند، نزد شاه خزر برگشتند و به او گفتند که به دخترش خیانت شده است و او را کشته‌اند. خاقان از شدت خشم، ساز و برگ جنگ علیه مسلمانان را فراهم کرد و سال بعد، ارمینیه را تسخیر کرد و اسیران زیادی گرفت.^۳

۱. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ص ۳۶۹.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۲۷؛ دانلپ، تاریخ خزران، ص ۱۵۵.

۳. ولی، «نگاهی به تاریخ، تمدن و فرهنگ خزرها»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۱۴،

ص ۴۲؛ بووا، برمکیان، ص ۹۳.

۶. نتیجه

بر اساس آنچه گفته شد، در برخی از روایت‌های تاریخی قفقاز در قرون اولیه هجری، نوعی آشفستگی مشهود است. زرین کوب، این پدیده را به سبب شرکت توده مردم و روایات افواهی فتوح، طبیعی می‌داند ولی زمان فتوح آذربایجان و قفقاز، رویداد بلنجر و فتح البیضاء از وقایع مهم تاریخ اسلام محسوب می‌شود و تحلیل جزئیات آن‌ها، اهمیت زیادی دارد. بنابراین بر اساس اسناد و با مقایسه روایات باید تلاش کرد، قضاوت درستی در مورد حقیقت و زمان درست این رویدادها صورت گیرد.

فتح قفقاز بر اساس آنچه گفته شد در سال ۲۲ هجری و پس از فتح آذربایجان روی داده است. رویداد بلنجر بر اساس مقایسه روایت‌های طبری، بلاذری و ابن اعثم و بررسی شواهد موجود در سال ۳۲ هجری اتفاق افتاده است. فتح البیضاء فقط یک بار و آن هم در زمان حکومت مروان بر قفقاز، بین سال‌های ۱۱۴ تا ۱۱۹ هجری روی داده است و لشکرکشی جراح بن عبدالله به البیضاء با حقایق تاریخی سازگار نیست.

هم‌چنین احتمال می‌رود، ماجرای دامادی خاقان خزر که در منابع مختلف، یک بار در زمان منصور و به وسیله یزید بن اسید و یک بار در زمان هارون و به وسیله فضل بن یحیی برمکی بیان شده است با توجه به تبعات زیان‌بار آن، فقط یک بار، آن هم در زمان منصور و به وسیله یزید بن اسید اتفاق افتاده است.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، *الکامل فی التاریخ*، ج ۳ و ۵، بیروت: دارصادر، داریروت، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن تغری بردی، ابوالمحاسن جمال الدین یوسف بن عبدالله، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، قاهره: وزارة الثقافة والارشاد القومي، ۱۳۹۲ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم منذوی الشان الأكبر*، ج ۱، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ق. / ۱۹۸۸م.
۴. _____، *مقدمه ابن خلدون*، ج ۲، ترجمه پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۳۶ق.
۵. ابن عبری، غریغوریوس الملطی، *تاریخ مختصر الدول*، ج ۱، تحقیق آنطون صالحانی، بیروت: دارالمشرق، ۱۹۵۸ق.
۶. ابن عثم کوفی، أبو محمد احمد، *الفتوح*، ج ۲، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۱ق.
۷. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ترجمه لیلا رین شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۸. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت: دار مکتبة الهلال، ۱۹۸۸م.
۹. بووا، لوسین، برمکیان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.
۱۰. حسینی، سید سجاد و آقازاده، جعفر، «فتوحات مسلمانان در قفقاز»، *تاریخ اسلام*، سال ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰، مسلسل ۴۵-۴۶، شماره اول و دوم.
۱۱. دانلپ، د. م.، *تاریخ خزران (از پیدایش تا انقراض)*، ترجمه محسن خادم، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۲.
۱۲. الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۱۳. رضا، عنایت الله، *آذربایجان و اران*، تهران: انتشارات ایران زمین، ۱۳۶۲.
۱۴. _____، *اران ازدوران باستان تا آغاز عهد مغول*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.

۱۵. زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۸.
۱۶. سالاری شادی، علی، «نگاهی دیگر به آثار و روایات سیف بن عمر تمیمی اسدی با تأکید بر تاریخ طبری»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۱۳۹۰، سال بیست یکم، دوره جدید، شماره ۷.
۱۷. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، ج ۴، ۷ و ۸، تحقیق، محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دارالثرات، ۱۳۸۷ق.
۱۸. منتظرالقائم، اصغر، «نقد و بررسی روایات مربوط به نخستین فاتحان آذربایجان تا سال ۴۰ هجری»، *پژوهش‌های تاریخی*، تابستان ۱۳۹۱، دوره جدید، سال چهارم، شماره ۲.
۱۹. نویسنده ناشناس، *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، تصحیح احمدی و دیگران، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۶۲.
۲۰. ولی، وهاب، «نگاهی به تاریخ، تمدن و فرهنگ خزرها»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴.
۲۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۲۲. ———، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، بیروت: دارصادر، بی‌تا.